

از سندگان تا خرمشهر  
حسین اردستانی

خرمشهر در اسناد  
ارتش عراق  
اسفر کاظمی

دا  
سیده اعظم حسینی

آزادی خرمشهر  
احمد دهقان

صباح  
فاطمه دوست کامی

اطلس حماسه خرمشهر  
محسن رشید

از سندگان تا خرمشهر  
حسین اردستانی

خرمشهر در اسناد  
ارتش عراق  
اسفر کاظمی

دا  
سیده اعظم حسینی

آزادی خرمشهر  
احمد دهقان

صباح  
فاطمه دوست کامی

اطلس حماسه خرمشهر  
محسن رشید

## سنگر کتاب

## از «دا» تا «صبح»

یکی از پرکتاب‌ترین سوزدهای دفاع مقدس، عملیات «الی بیت المقدس» و آزادسازی خرمشهر است. این کتاب‌ها را می‌شود از خاطره‌نگاری تا گروه کتاب‌های مرجع و اطلس‌های نبرد، دسته‌بندی کرد. قدیمی‌های جنگ که در این عملیات شکوهمند حضور داشتند، پس از سال‌ها و با تأکید مقام معظم رهبری بر آن شدند تا خاطرات‌شان را بگویند یا بنویسند که این حرکت، بر تعداد کتاب‌های موجود در این موضوع، افزود. کتاب «دا» یکی از معروف‌ترین کتاب‌های این حوزه بود و پس از آن کتابی با نام «صبح» به قلم فاطمه دوست‌کامی منتشر شد که روایت یکی از هم‌زمان راوی کتاب «دا» را پیش روی خوانندگان قرار می‌داد. صبح وطن خواه بعد از اتفاقات سال ۱۳۸۸ تصمیم گرفت خاطراتش را ثبت و ضبط کند.

۱۴

پایداری  
RESISTANCE

چهارشنبه ۳ خرداد ۱۴۰۲ شماره ۶۴۹۵

## خون‌نگار

میشم رشیدی مهرآبادی | دبیر گروه پایداری

## شهر خون آزاد شد...

نه‌تنها ایرانیان که هیچ‌کس در هیچ‌کجای دنیا باور نمی‌کرد

عملیاتی که از اوایل اردیبهشت

۱۳۶۱ آغاز شده بود، با این سرعت بتواند به این حد از موفقیت

دست پیدا کند. بعضی‌ها انواع و اقسام استحکامات را دورنادر

خرمشهر مستقر کرده بودند تا اگر رزمندگان ایرانی توانستند

جاده اهواز - خرمشهر و بیابان‌های اطراف آن را هم تصرف

کنند، نتوانند خواب‌تصرف و آزادسازی خرمشهر را هم ببینند.

اتومبیل‌های اسقاطی شهر را به‌صورت عمودی در زمین

فرورکده بودند تا به خیال‌شان مانع الی برن نیروهای تکاو

شوند. زمین‌های اطراف شهر، چندین ردیف مین‌گذاری شده

بود و نگهبانان تا دندان مسلح، آماده بودند تا هر جنبنده‌ای

را هدف بگیرند. یورش‌های اولیه به جاده اهواز - خرمشهر

به سختی در هم کوبیده می‌شد اما ایرانی‌ها توانسته بودند زیر

سنگین‌ترین آتش‌ها خودشان را به دروازه‌های شهر برسانند.

هیچ سلاح و مانعی نمی‌توانست در مقابل توکل به خدا و غیرتی

که در گ‌های‌شان به جوش آمده بود، ایستادگی کند. تا این‌که

در سوم خرداد، طرح‌های دقیقی که برای آزادسازی کشیده

شده بود با خواست خدا به نتیجه رسید و چندین گروهان

و گردان توانستند از جهات مختلف خود را وارد شهر کنند.

به همین خاطر بود که عنوان «قهرمان آزادسازی خرمشهر»

به نام چند نفر، ثبت شد.

این پیروزی همان‌طور که برای ایران، دستاورد بزرگی بود برای

جبهه مقابل، شکست غریقابل‌پذیرشی بود. ارتش بعثی از

ابتدای جنگ با ایران، به راه‌های مختلف مورد حمایت و تأیید

سازندگان بزرگ سلاح‌های پیشرفته بود و حتی مستشاران

نظامی غرب هم با حقوق‌های بالا مأمور می‌شدند تا برای

جنگیدن با ایران، راهی بغداد شوند. جهان غرب امید زیادی

به این جنگ بسته بود تا یک‌بار برای همیشه، ریشه انقلابی

که سال ۱۳۵۷ در غرب آسیا پا گرفته بود را خشک کند. اشغال

خرمشهر همه این امیدها را ضربه‌ای داده بود و به خیال‌شان راه

زیادی تا رسیدن به هدف‌شان باقی نبود اما شادان جوانان

ایرانی، همه محاسبات‌شان را به هم ریخت.

بسیاری از کارشناسان نظام و تحلیلگران رسانه‌های

خارجی، همانند نیروهای عراقی، در برابر «سرعت عمل» و

«طرح عملیات» رزمندگان ما هنگام فتح خرمشهر، غافلگیر

مبهوت و شگفت‌زده شدند. معضل اصلی آنها علاوه بر عدم باور

به توانایی‌های رزمندگان اسلام، بیشتر ناشی از کراهت

باطنی‌شان از پذیرش موقعیت برتر سیاسی-نظامی جمهوری

اسلامی ایران بود که با فتح خرمشهر و نتایج ناشی از آن در

سطح منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حاصل می‌شد. چنانچه

در پی شروع عملیات «الی بیت المقدس» همگی پیروی

رزمندگان ایرانی و درهم‌شکستن استحکامات عراق را همراه

با تردید و ناآوری مطرح می‌کردند و نمی‌خواستند باور کنند.

عکس‌العمل کشورها در برابر پیروزی رزمندگان اسلام، علاوه بر

این‌که نشان‌دهنده غافلگیری آنها و همچنین عدم درک روشن

آنها از ناتوانی عراق بود بر این مهم نیز دلالت داشت که طی

مراحل مختلف جنگ و عملیات، قابلیت‌ها و توانایی‌های

غیرمنتظره‌ای از رزمندگان بروز کرده است و این چیزی نبود

که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذشت. جهان باور نمی‌کرد اما

واقعیت این بود که «خرمشهر، شهر خون، آزاد شد...».

## نگاهی به آنچه بر مسجد جامع خرمشهر گذشت

# قرارگاه مردمی دفاع از شهر

۴۱ سال پیش در چنین روزی، رزمندگان ایران بعد از ماه‌ها اشغال، در حالی به مسجد جامع خرمشهر رسیدند که هنوز درگیری‌ها در حاشیه‌های خرمشهر ادامه داشت. آتش سنگین توپخانه دشمن همچنان برقرار بود و مدام می‌دانست کارش پس از این سخت‌تر می‌شود، برای همین تمام تلاشش را کرد تا دوباره خرمشهر را پس بگیرد. رزمندگان و فرماندهان عملیات «الی بیت المقدس» اما به مسجد جامع رسیده بودند و عمر همان روز رادیو سراسری، خبر این پیروزی را به همه ایرانیان رساند. خبری که همه را به خیابان‌ها کشاند و کار قنادهای را سکه کرد.

## پایگاه اجتماع و هماهنگی

مسجدجامع در دهه ۵۰ شمسی یکی از چند کانون اثرگذار و تعیین‌کننده در خرمشهر به‌حساب می‌آمد. هرچند بعد از ارتحال آقای کاشانی و خانه‌نشینی آیت‌ا... فهری به علت سقوط از پشت بام، نام آقای محمدطاهر آل شبیر خاقانی پیش از سایر روحانیون به‌گوش می‌رسید. در سال‌های مورد نظر تفکرات قومیت‌گرا و جدایی‌خواه با حمایت برخی دولت‌های خارجی در حال گسترش بود. انقلاب که به پیروزی رسید، مسجدجامع کمافی السابق محوریت و شان جریان‌ساز خودش را حفظ کرد. در دوران گذار کشور از رژیم شاهنشاهی به حکومت اسلامی، فعالیت و تحرک گروه‌های جدایی‌خواه بیشتر شد. آنها می‌خواستند از فرصت پیش‌آمده استفاده کرده و پیش از استقرار کامل نظام جدید، مناطق عرب‌نشین را از بیکره کشور جدا کنند. مواضع شیخ شبیر، امام جماعت مسجد امام صادق (ع) به آنها نزدیک بود. در آن شرایط جماعت متدینین انقلابی به یک پایگاه جهت اجتماع و هماهنگی نیاز داشتند. برای تحقق این منظور چه جایی بهتر از مسجد جامع خوش سابقه و مورد تأیید مردم.

### مسجد «لب‌شاخه»

شایدگمان بسیاری از مردم این باشد که مسجدجامع، در دوران دفاع مقدس به یکی از نمادها و نشانه‌های خرمشهر تبدیل شد اما این‌طور نیست. این مسجدکه تاریخ ساخت آن به سال ۱۲۵۰ خورشیدی برمی‌گردد تاریخچه شنیدنی، پرحادثه و درخشان دارد. صفت «جامع» در گذشته به مساجدی اطلاق می‌شد که متعلق به عشیره، قبیله، قوم یا محله خاصی نبود و عموم مردم برای اقامه نماز و سایر اعمال عبادی از آن استفاده می‌کردند. این مسجد هم به‌سبب موقعیت مکانی ویزش‌اش به‌معنای حقیقی واژه، جامع بود. مسجدجامع که آن‌وقت‌ها با نام «لب‌شاخه» شناخته می‌شد، در کنار بازار مرکزی شهر برای استفاده کسبه و مشتری‌های‌شان بنا شده بود. مرز زمینی خرمشهر با عراق و دسترسی‌نه‌چندان مشکل به کویت رونق خوبی به بازرگانی این شهر می‌بخشید. این همجواری با محل تردد و تجارت مردم، چراغ مسجد را روشن نگه‌داشت. اصولا کرد مساجدجامعی که در بازارها احداث می‌شدند، همین تأمین نیازهای دینی عموم مراجعه‌کنندگان و محلی برای اجتماع مؤمنین بوده‌است. نمونه چنین مساجدی در اغلب شهرهای کشورمان به چشم می‌خورد.

### بازسازی در ۱۳۴۳

در گذر دوران، خرمشهر توسعه یافت و مسجدجامع هم با توجه به پیشینه و حضور اقشار مختلف مردم آوازه و شهرت بیشتری پیدا کرد. سال ۱۳۴۳ بنای پیر و فرسوده مسجدکه حدودیک قرن از عمر آن می‌گذشت بازسازی شد. از قضا تجدید بنای مسجد با تغییر افکار و نگرش مردم و شعله‌ور شدن آتش انقلاب در کشور همراه شد. امام جماعت آن‌وقت‌های مسجدجامع آقای سیدمحمدباقر کاشانی، نقشی مؤثر در هدایت و ساماندهی جریان‌های مذهبی سنتی و انقلابی ایفا می‌کرد. تقویت پایگاه اجتماعی مساجد در شرایط آن ایام خرمشهر که گروه‌های منحرف اخلاقی و دسته‌های تجزیه‌طلب فعال بودند، اهمیت بالایی داشت. در واقع یکی از تکالیف و مأموریت‌های مسجد، تربیت افراد جامعه و مصون نگه‌داشتن فکر و ذهن آنهاست. تکلیفی که مسجدجامع در کنار سایر مساجد و حسینیه‌ها سعی می‌کرد آن را به‌شکلی شایسته به‌انجام برساند. همین مجاهدت علما، ائمه‌جماعت و مومنان دل‌سوز سبب شده‌بود به‌رغم رونق بندر و تردد بالای

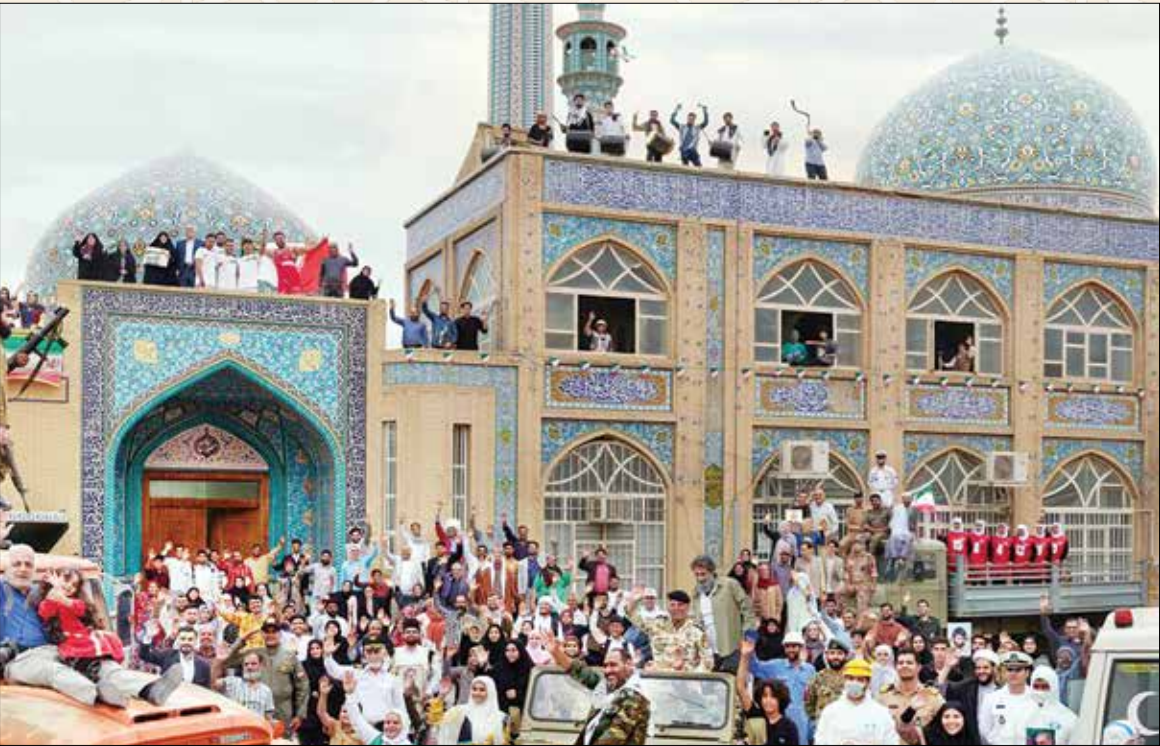
افراد غیربومی از یک‌سو و علاقه رژیم پهلوی به غربی‌سازی چهره شهرها از سوی دیگر، شاکله مذهبی خرمشهر حفظ شود. کم‌کم با همه‌گیر شدن نهضت امام خمینی (ره) جوان‌ها مسجدجامع خرمشهر را به پایگاه فعالیت‌های انقلابی و مبارزه با رژیم طاغوت تبدیل کردند. پس از فوت آقای کاشانی که شهرت و اعتبار بالایی در شهر داشت، سیدقتی موسوی به‌عنوان امام‌جماعت اداره امور مسجد را برعهده گرفت. ایشان هم حامی و راهبر جریان‌های مذهب انقلابی شهر بود و برنامه‌های معمول و مرسوم مسجد را با قدرت ادامه داد.

### تخصن برای خلع سلاح عمومی

در آن برهه زمانی مسجد جامع نقطه مقابل جریان‌های ضد استقلال کشور در خرمشهر بود. عناصر ضدوحدت ملی آن‌قدر در شیپورا اختلاف و دو دسته کردن جامعه به عرب و فارس دمیدند که کار به درگیری‌های مسلحانه رسید. از اواسط فروردین ۵۸ مردم و کسبه بازار چندبار در اعتراض به آشوبگران در مسجدجامع تحصن کردند و خواستار خلع سلاح عمومی و افزایش نظارت دولت‌در استای تأمین امنیت مردم شدند. اغلب راهپیمایی‌های مردم هم در مسیرهای منتهی به مسجدجامع انجام می‌شد. سحرگاه چهارشنبه نهم خرداد یکی از تجمع‌های اعتراضی که در واکنش به شهادت یک پاسدار صورت گرفته بود توسط عده‌ای که خود را سازمان خلق عرب معرفی می‌کردند، مورد حمله قرار گرفت. آنها با شلیک گلوله و پرتاب کوکتل مولوتوف به‌سمت مسجد، حرمت خانه خدا را شکستند. چندساعت بعد، آرامش خرمشهر به هم ریخت و گروه‌های تجزیه‌خواه شهر را به آتش کشیدند.

### بیست‌وچهارم مهرماه ۱۳۵۹

بعثی‌ها ۳۱ شهریور ۵۹ از سمت شلمچه وارد خاک ما شدند. نیروهای نظامی و مردم برخلاف چیزی که دشمن تصور می‌کرد چند روز با دست خالی جلوی متجاوزان ایستادند. خرمشهر روزهای دشوار و طاقت‌فرسایی را پشت سر می‌گذاشت. مردها هر روز برای رویارویی با دشمن، از مسجدجامع به مناطق مختلف اعزام می‌شدند. زنان هم با حضور در مسجد هم به اوضاع زخمی‌ها رسیدگی می‌کردند و هم امور پشتیبانی جنگ را برعهده داشتند. زنان خرمشهری در کنار مسجد غذا می‌پختند و



به رزمنده‌ها می‌رساندند. کار نگهبانی از مسجد و راهنمایی رزمنده‌های غیر بومی هم با آنها بود. هر کسی اطلاعات یا سلاح و مهماتی می‌خواست، خودش را به مسجدجامع می‌رساند. عده‌ای می‌آمدند و عده‌ای می‌رفتند. محمد جهان‌آرا، فرمانده سپاه خرمشهر هم هر وقت می‌توانست سری به مسجدجامع می‌زد. دل توی دل کسی نبود. ساعت به ساعت خبر پیش‌روی دشمن مثل خوره می‌افتاد به جان مدافعان شهر.

بالاخره در بیست‌وچهارم مهرماه ۵۹، مقاومت مردم و نیروهای نظامی شکست و شهر عملاً سقوط کرد اما هنوز همه مردم و بچه رزمنده‌ها شهر را خالی نکرده بودند. همه می‌دانستند شهر به دست دشمن افتاده ولی کسی دل رفتن از شهر و دیارش را نداشت. چندروز بعد ارتش صدام وارد خرمشهر شد و آخرین مدافعان شهر با اشک و غرور شکسته مجبور به ترک آن شدند...

همه که رفتند مسجدجامع ماند و رد خمپاره‌ها و جای گلوله‌ها. عراقی‌ها آخرین سنگر مقاومت مردم خرمشهر را به خمپاره بستند. گلوله‌های دشمن بخش‌هایی از نمای ظاهری مسجد را تخریب کرد.

### تقاطع خیابان‌های ۴۰چهل متری و چاسپی

روژگار گذشت و گذشت تا این‌که سوم خرداد ۶۱ خبر آزادسازی خرمشهر مثل بمب در کشور ترکید. شهر که آزاد شد، بچه رزمنده‌ها فوراً رفتند سمت مسجدجامع در تقاطع خیابان‌های ۴۰متری و چاسپی. دوربین‌های خبری و تلویزیونی قاب‌های ماندگاری از این وصل شیرین را ثبت کردند. یکی از بچه‌ها دوید به سمت پشت‌بام مسجد و پرچم خوش‌رنگ کشورمان را کوپید روی گنبد. لیخند نشسته بود روی دل چپه‌ها و همه با مشت‌های گره کرده... اکبر می‌گفتند.

نماز خواندن در مسجدجامع خرمشهر یکی از دل‌خوشی‌های رزمنده‌ها تا پایان دوران دفاع مقدس بود. بعدها مسجد بازسازی شد. از اوایل دهه ۸۰ شمسی و با راه افتادن مقوله‌ای به‌نام اردوهای راهیان‌نور مردم نقاط مختلف ایران برای زیارت و مرور قصه مقاومت، به آنجا می‌روند. مسجدجامع خرمشهر در دوره‌های مختلف حیاتش، رویدادها و آدم‌های متعدد و مختلفی را دیده‌است ولی بی‌تردید دلش بر می‌کشد برای دیدار مجدد یاران شهیدش.



## اسکناس ۲۰۰۰ریالی

چیزی حدود ۲۰ سال تصویر «مسجد جامع خرمشهر» روی یکی از اسکناس‌هایی چاپ شده بود که مردم در داد و ستدهای روزمره از آن استفاده می‌کردند: روی قطعه اسکناس سرخ‌رنگ ۲۰۰۰ریالی. در تصویر مورد نظر، جمعی از رزمنده‌ها جلوی مسجد جامع مشغول ابراز شادمانی از آزادی خرمشهر بودند. طراحان پول کشور در سمت راست عکس هم نوشته بودند «آزادی خرمشهر» تا مخاطب مکان و علت جمع شدن رزمنده‌ها را متوجه شود. کریم با تغییر واحدهای پولی، ۲۰۰۰ریالی با همان ۲۰۰تومانی رایج در فرهنگ عامه، از دنیای اقتصاد ملی خارج شد و به خاطره‌ها پیوست.



## قرارگاه مردمی برای دفاع از شهر

در ماه‌های بعد هم مسجدجامع مهم‌ترین محل حضور نیروهای انقلابی به‌شمار می‌رفت. اوضاع ناآرام خرمشهر با روی کار آمدن صدام ملت‌هپ‌تر شد. حالا بچه‌های مسجدجامع خرمشهر باید همت مضاعفی برای حفظ امنیت و روشنگری مردم انجام می‌دادند. رفت و آمد جوان‌های انقلابی و برگزاری جلسات سخنرانی و محافل خصوصی و عمومی، جایگاه محوری مسجدجامع را هر روز بین مردم مستحکم‌تر می‌کرد. همین امر موجب شد هنگام هجوم سراسری عراق، مسجد به یک قرارگاه مردمی برای دفاع از شهر تبدیل بشود.